

التسلسل	المصدر	المعنى	الماضى	المضارع	الامر
1	آمدن	جاء	آمد	آى	بيا
2	آموختن	تعليم	آموخت	آموز	بياموز
3	آوردن	جلب	آورد	آور	بياور
4	افتادن	سقوط	افتاد	افت	بيافت
5	انداختن	رمى	انداخت	انداز	بيانداز
6	ايستادن	وقوف	ايستاد	ايست	بايست
7	باختن	خساره	باخت	باز	بباز
8	بافتن	ينسج/يحوك	بافت	باف	بباف
9	باريدن	هطول	باريد	بار	ببار
10	بخشيدن	معذره	بخشيد	بخش	ببخش
11	برداشتن	التقاط	برداشت	بردار	بردار
12	برچيدن	لقط	برچيد	برچ	ببرچ
13	بردن	اخذ	برداشت	بر	ببر
14	برگرداندن	ارجاع	برگرداند	برگردان	برگردان
15	برگشتن	رجوع	برگشت	برگرد	برگرد
16	بريدن	قطع	بريد	بر	ببر
17	بستن	غلق	بست	بند	ببند
18	به دنبال بردن	يقود/يسوق	به دنبال برد	به دنبال بر	به دنبال ببر
19	بودن	كنت	بود	هست	باش
20	بوسيدن	يقبل	بوسيد	بوس	ببوس
21	پاشيدن	يرش	پاشيد	پاش	بپاش
22	پذيرفتن	قبول	پذيرفت	پذير	بپذير
23	پختن	طبخ	پخت	پر	بپر
24	پرداختن	يدفع	پرداخت	پرداز	بپرداز
25	پرسيدن	تطلب	پرسيد	پرس	بپرس
26	پريدن	يقفز	پريد	پر	بپر
27	پوشاندن	غطاء	پوشاند	پوشان	بپوشان
28	پوشيدن	ارتداء	پوشيد	پوش	بپوش
29	ترسيدن	خوف	ترسيد	ترس	بترس
30	ترساندن	يخاف	ترساند	ترسان	بترسان
31	تركيدن	انفجار	تركيد	ترك	بترك
32	توانستن	القدرة	توانست	توان	بتوان
33	جوشيدن	غلى/فورات	جوشيد	جوش	بجوش
34	جويدن	مضغ	جويد	جو	بجو
35	چرخيدن	دوران	چرخيد	چرخ	بچرخ
36	چريدن	يجتر/يرعى	چريد	چر	بچر
37	چسباندن	لصق	چسباند	چسبان	بچسبان
38	چسبيدن	التصاق	چسبيد	چسب	بچسب
39	چشيدن	تذوق	چشيد	چش	بچش
40	چكيدن	تنقيط	چكيد	چك	بچك

41	چیدن	یجنى-یقطف	چید	چین	بچین
42	خریدن	شراء	خرید	خر	بخر
43	خندیدن	ضحك	خندید	خند	بخند
44	خوابیدن	نوم	خوابید	خواب	بخواب
45	خواستن	یرید	خواست	خواه	بخواه
46	خواندن	قراءه	خواند	خوان	بخوان
47	خوردن	تناول	خورد	خور	بخور
48	دانستن	یعلم-يعرف	دانست	دان	بدان
49	در خشیدن	لمعان	درخشید	درخش	بدرخش
50	دزدیدن	سرقة	دزدید	دزد	بدزد
51	دوختن	خیاط	دوخت	دوز	بدوز
52	دویدن	جري -ركض	دوید	دو	بدو
53	دیدن	مشاهده	دید	بین	بین
54	داشتن	امتلك	داشت	دار	داشته باش
55	دادن	اعطاء	داد	ده	بده
56	رسیدن	وصول	رسید	رس	برس
57	رفتن	ذهاب	رفت	رو	برو
58	ریختن	سكب	ریخت	ریز	بریز
59	زدن	ضربه	زد	زن	بزن
60	ساختن	صنع	ساخت	ساز	بساز
61	سوختن	احتراق-اشتعال	سوخت	سوز	بسوز
62	شناختن	يعجل-يهرول	شناخت	شتاب	بشتاب
63	شستن	غسيل	شست	شو	بشو
64	شکستن	كسر/قطع	شکست	شکن	بشکن
65	شناختن	معرفة	شناخت	شناس	بشناس
66	شنیدن	سماع	شنید	شنو	بشنو
67	شدن	اصبح	شد	شو	بشو
68	شمردن	عدد-عداد	شمرد	شمر	بشمر
69	غلطاندن	دحرجة	غلطاند	غلطان	بغلطان
70	غلطیدن	تدحرج	غلطید	غلط	بغلط
71	فرستادن	ارسال	فرستاد	فرست	بفرست
72	فروختن	بيع	فروخت	فروش	بفروش
73	فهمیدن	فهم	فهمید	فهم	بفهم
74	کاشتن	زرع-عمل	کاشت	کار	بکار
75	کشتن	قتل	کشت	کش	بکش
76	کوبیدن	يدق	کوبید	کوب	بکوب
77	کردن	فعل-جعل	کرد	کن	بکن
78	گذاشتن	وضع	گذاشت	گذار	بگذار
79	گذراندن	عبور	گذراند	گذارن	بگذارن
80	گشتن	بحث	گشت	گرد	بگرد

بگیر	گیر	گرفت	حصول	گرفتن	81
بگوی	گوی	گفت	قول	گفتن	82
بلرز	لرز	لرزید	رجف-ارتعاش	لرزیدن	83
بلغز	لغز	لغزید	ینزلق	لغزیدن	84
بمال	مال	مالید	تدلیک	مالیدن	85
بمیر	میر	مرد	موت	مردن	86
بمان	مان	ماند	بقاء	ماندن	87
بمک	مک	مکید	مص	مکیدن	88
بنشین	نشین	نشست	جلوس	نشستن	89
بنویس	نویس	نوشت	کتابه	نوشتن	90
بنوش	نوش	نوشید	شرب	نوشیدن	91
بوز	وز	وزید	یهب-یعصف	وزیدن	92
بیاب	یاب	یافت	اکتشاف-ایجاد	یافتن	93
					94
					95
					96
					97
					98
					99
					100
					101
					102
					103
					104
					105

1	کردن	له-عمل	کرد	کن	بکن
2	آویزان کردن	تعليق الثياب أو...	کرد	کن	بکن
3	اتو کردن	كوى الملابس	کرد	کن	بکن
4	ارّه کردن	نشر	کرد	کن	بکن
5	استراحت کردن	استراحة	کرد	کن	بکن
6	استفاده کردن	استعمال	کرد	کن	بکن
7	اسکی/اسکیت کردن	تزلج	کرد	کن	بکن
8	اشاره کردن	اشاره	کرد	کن	بکن
9	اطاعت کردن	اطاعة	کرد	کن	بکن
10	اعلام کردن	اعلام-اذاعة	کرد	کن	بکن
11	انتخاب کردن	اختيار	کرد	کن	بکن
12	آسیا کردن	طحن	کرد	کن	بکن
13	آماده کردن	اعداد-تحضير-تجهيز	کرد	کن	بکن
14	باد کردن	نفخ	کرد	کن	بکن
15	باز کردن	فتح	کرد	کن	بکن
16	بازی کردن	لعب-لهو	کرد	کن	بکن
17	باندپیچی کردن	لف-عصب	کرد	کن	بکن
18	برّاق کردن	تلميع	کرد	کن	بکن
19	بر خورد کردن	اصطدام	کرد	کن	بکن
20	برشته کردن	تحميص	کرد	کن	بکن
21	برف بازی کردن	لعب بالثلج	کرد	کن	بکن
22	بسته بندی کردن	تغليف	کرد	کن	بکن
23	بلند کردن	رفع	کرد	کن	بکن
24	بو کردن	شم	کرد	کن	بکن
25	بیدار کردن	ايقاظ	کرد	کن	بکن
26	پارس کردن	نباح	کرد	کن	بکن
27	پاره کردن	تمزيق	کرد	کن	بکن
28	پاک کردن	محي	کرد	کن	بکن
29	پر کردن	ملئ	کرد	کن	بکن
30	پرت کردن	قذف-رمي	کرد	کن	بکن
31	پرسش کردن	استجواب	کرد	کن	بکن
32	پرواز کردن	طيران	کرد	کن	بکن
33	پس انداز کردن	توفير-ادخار	کرد	کن	بکن
34	پنهان کردن	اخفاء	کرد	کن	بکن
35	پیدا کردن	بحث	کرد	کن	بکن
36	تاب بازی کردن	يتأرجح	کرد	کن	بکن
37	ترک کردن	مغادرة	کرد	کن	بکن
38	تزئین کردن	يزين	کرد	کن	بکن
39	تصحیح کردن	تصحیح	کرد	کن	بکن
40	تعمیر کردن	تصليح	کرد	کن	بکن

41	تقسیم/قسمت کردن	قسمة	کرد	کن	بکن
42	تقلید کردن	تقلید	کرد	کن	بکن
43	تکرار کردن	تکرار	کرد	کن	بکن
44	تماشا کردن	مشاهدة	کرد	کن	بکن
45	تمرین کردن	ممارسه	کرد	کن	بکن
46	تمیز کردن	تنظيف	کرد	کن	بکن
47	تنبيه کردن	عقاب	کرد	کن	بکن
48	توقف کردن	توقف	کرد	کن	بکن
49	تیراندازی کردن	يطلق-یرمی	کرد	کن	بکن
50	تیز کردن	يشحد-یسن	کرد	کن	بکن
51	جواب کردن	يحمل	کرد	کن	بکن
52	جارو کردن	تكنيس	کرد	کن	بکن
53	جمع کردن	جمع-اضافه	کرد	کن	بکن
54	چاب/تایپ کردن	يطلع	کرد	کن	بکن
55	چرخ کردن	فرم	کرد	کن	بکن
56	حرکت کردن	حركة	کرد	کن	بکن
57	حفظ کردن	حمایة	کرد	کن	بکن
58	حمله کردن	هجوم	کرد	کن	بکن
59	خُرخر کردن	شخورة	کرد	کن	بکن
60	خالی کردن	تفريغ	کرد	کن	بکن
61	خاموش کردن	إطفاء-اخماد	کرد	کن	بکن
62	خراب کردن	دمار-خراب	کرد	کن	بکن
63	خشك کردن	تجفيف	کرد	کن	بکن
64	خم کردن	ثني	کرد	کن	بکن
65	خود داری کردن	امتناع	کرد	کن	بکن
66	خیاطی کردن	خیاطه	کرد	کن	بکن
67	بارکوش صحبت کردن	همس	کرد	کن	بکن
68	درست کردن	تصحیح	کرد	کن	بکن
69	درو کردن	يجني-یحصد	کرد	کن	بکن
70	دریافت کردن	یتسلم	کرد	کن	بکن
71	دسته بندی کردن	تصفيق	کرد	کن	بکن
72	دعوا کردن	تشاجر	کرد	کن	بکن
73	دفن کردن	دفن	کرد	کن	بکن
74	دنبال کردن	مطاردة	کرد	کن	بکن
75	دود کردن	دخنة	کرد	کن	بکن
76	رانندگی کردن	قیادة	کرد	کن	بکن
77	راهنمایی کردن	يقود-ارشاد	کرد	کن	بکن
78	رشد کردن	نمو	کرد	کن	بکن
79	رکوع کردن	رکوع	کرد	کن	بکن
80	رنگ کردن	تلوين	کرد	کن	بکن

81	روشن کردن	اشعال	کرد	کن	بکن
82	زندگی کردن	عیش	کرد	کن	بکن
83	سپاسگزاری کردن	شکر	کرد	کن	بکن
84	سجده کردن	سجود	کرد	کن	بکن
85	سر گرم کردن	تسلية	کرد	کن	بکن
86	سرفه کردن	سعال	کرد	کن	بکن
87	سفر کردن	سفر	کرد	کن	بکن
88	سلام کردن	سلام	کرد	کن	بکن
89	سوراخ کردن	ثقب	کرد	کن	بکن
90	سؤال کردن	سؤال	کرد	کن	بکن
91	شانه کردن	تمشيط	کرد	کن	بکن
92	شروع کردن	بدء	کرد	کن	بکن
93	شنا کردن	سباحه	کرد	کن	بکن
94	شوت کردن	رکل-تهديف	کرد	کن	بکن
95	صحبت کردن	تکلم	کرد	کن	بکن
96	صدا کردن	نداء	کرد	کن	بکن
97	صيد/شکار کردن	صيد	کرد	کن	بکن
98	طلوع کردن	شروق	کرد	کن	بکن
99	طناب بازی کردن	قفز	کرد	کن	بکن
100	عبور کردن	مرور-عبور	کرد	کن	بکن
101	عذر خواهی کردن	اعتذار	کرد	کن	بکن
102	عطسه کردن	عطس	کرد	کن	بکن
103	عوض کردن	تغيير الملابس	کرد	کن	بکن
104	غَرش کردن	زئير	کرد	کن	بکن
105	غروب کردن	غروب	کرد	کن	بکن
106	فرار کردن	فرار-هروب	کرد	کن	بکن
107	فراموش کردن	نسيان	کرد	کن	بکن
108	فکر کردن	تفكير	کرد	کن	بکن
109	کم کردن	طرح	کرد	کن	بکن
110	کار کردن	عمل	کرد	کن	بکن
111	کامل کردن	عمل اتمام	کرد	کن	بکن
112	کمک کردن	مساعده	کرد	کن	بکن
113	گردش کردن	تجول	کرد	کن	بکن
114	گرم کردن	تسخين-تدفأة	کرد	کن	بکن
115	گریه کردن	بكاء	کرد	کن	بکن
116	گفتگو کردن	حديث-قول	کرد	کن	بکن
117	گم کردن	ضياع-فقدان	کرد	کن	بکن
118	گوش کردن	سماع	کرد	کن	بکن
119	لمس کردن	لمس	کرد	کن	بکن
120	له کردن	يدوس	کرد	کن	بکن

121	مبارزه کردن	قتال	کرد	کن	بکن
122	متوقف کردن	یوقف	کرد	کن	بکن
123	محاصره کردن	حصار	کرد	کن	بکن
124	محافظات کردن	تستظل	کرد	کن	بکن
125	مراقبت کردن	یدافع	کرد	کن	بکن
126	مرتب کردن	ترتیب	کرد	کن	بکن
127	مرور کردن	عبور	کرد	کن	بکن
128	مطالعه کردن	مطالعه	کرد	کن	بکن
129	معاینه کردن	فحص	کرد	کن	بکن
130	معرفی کردن	معرفه	کرد	کن	بکن
131	ملاقات کردن	مقابله	کرد	کن	بکن
132	منظم کردن	ترتیب – تنظیم	کرد	کن	بکن
133	میومیو کردن	مواء	کرد	کن	بکن
134	نام نویسی کردن	تسجیل	کرد	کن	بکن
135	نصب کردن	تنصیب-تعلیق	کرد	کن	بکن
136	نقاشی کردن	رسم	کرد	کن	بکن
137	نگاه کردن	نظر	کرد	کن	بکن
138	نگهبانی کردن	حراسة-حمایة	کرد	کن	بکن
139	هدف گیری کردن	یصوب	کرد	کن	بکن
140	هرس کردن	تهذیب-تشذیب	کرد	کن	بکن
141	ورزش کردن	تدرب	کرد	کن	بکن
142	وزن کردن	وزن	کرد	کن	بکن
143	وصل کردن	ربط	کرد	کن	بکن

1	شدن	أصبح-صار-كان	شد	شو	بشو
2	آماده شدن	جاهز	شد	شو	بشو
3	آویزان شدن	یتدلی-یتعلق	شد	شو	بشو
4	باز شدن	فتح	شد	شو	بشو
5	برنده شدن	فوز-ربح	شد	شو	بشو
6	بسته شدن	یغلق	شد	شو	بشو
7	بلند شدن	اقلاع-وقوف	شد	شو	بشو
8	بیدار شدن	استيقاظ	شد	شو	بشو
9	پیاچه شدن	نزول-ترجّل	شد	شو	بشو
10	تسلیم شدن	یستسلم	شد	شو	بشو
11	تمام شدن	انتهاء	شد	شو	بشو
12	تمیز شدن	تنظيف	شد	شو	بشو
13	جاری شدن	یسیل-یفیض	شد	شو	بشو
14	خارج شدن	خروج	شد	شو	بشو
15	خاموش شدن	إطفاء-اخماد	شد	شو	بشو
16	خم شدن	ینحني	شد	شو	بشو
17	داخل شدن	دخول	شد	شو	بشو
18	دور شدن	ابتعاد	شد	شو	بشو
19	روشن شدن	اضاءه	شد	شو	بشو
20	زخم شدن	جرح	شد	شو	بشو
21	سبز شدن	اخضر	شد	شو	بشو
22	سوار شدن	رکوب-امتطاء	شد	شو	بشو
23	غرق شدن	یغرق	شد	شو	بشو
24	له شدن	تهشم-تحطم	شد	شو	بشو
25	مخفی شدن	یختبی	شد	شو	بشو
26	موفق شدن	ینجح	شد	شو	بشو
27	ناپدید شدن	اختفاء	شد	شو	بشو
28	نزدیک شدن	اقتراب	شد	شو	بشو
29	وارد شدن	ورود	شد	شو	بشو
30	واژگون شدن	ینقلب	شد	شو	بشو

1	دادن	اعطاء	داد	ده	بده
2	امتحان دادن	امتحان	داد	ده	بده
3	انجام دادن	استنتاج-تطبيق-انجاز	داد	ده	بده
4	آب دادن	روي-سقي	داد	ده	بده
5	پاسخ دادن	استدعا	داد	ده	بده
6	ترجیح دادن	تفضیل	داد	ده	بده
7	تکان دادن	هز-تلويح-تحريك	داد	ده	بده
8	تمرین دادن	تدريب	داد	ده	بده
9	جواب دادن	جواب	داد	ده	بده
10	حرکت دادن	تحريك	داد	ده	بده
11	خبر دادن	اخبار	داد	ده	بده
12	درس دادن	دراسة	داد	ده	بده
13	دست دادن	مصافحة	داد	ده	بده
14	دستور دادن	أمر	داد	ده	بده
15	شستشو دادن	تحميم-تغسيل	داد	ده	بده
16	شکوفه دادن	يزهر	داد	ده	بده
17	غذا دادن	اطعام	داد	ده	بده
18	فشار دادن	عصر-لوي	داد	ده	بده
19	قرض دادن	قرض	داد	ده	بده
20	قورت دادن	يبتلع	داد	ده	بده
21	گوش دادن	سمع	داد	ده	بده
22	مسابقه دادان	مسابقة	داد	ده	بده
23	میوه دادن	فاكهه	داد	ده	بده
24	نجات دادن	انقاذ	داد	ده	بده
25	نشان دادن	عرض	داد	ده	بده
26	نمایش دادن	تمثيل	داد	ده	بده
27	هُل دادن	دفع	داد	ده	بده
28	هشدار دادن	تحذير	داد	ده	بده
29	یاد دادن	تدريس	داد	ده	بده

1	زدن	بتر-اضراب-حقن	زد	زن	بزن
2	پارو زدن	تجدیف	زد	زن	بزن
3	جیغ زدن	صراخ	زد	زن	بزن
4	حرف زدن	تکلم	زد	زن	بزن
5	در زدن	قرع	زد	زن	بزن
6	دور زدن	ینحنی-ینعطف	زد	زن	بزن
7	رنگ زدن	طلاء-دهان	زد	زن	بزن
8	زنگ زدن	ضغط	زد	زن	بزن
9	سوت زدن	تصفیر	زد	زن	بزن
10	سیلی زدن	صفع	زد	زن	بزن
11	شما زدن	حساب-عد	زد	زن	بزن
12	شیرجه زدن	غطس	زد	زن	بزن
13	ضربه زدن	یضرب	زد	زن	بزن
14	طبل زدن	قرع	زد	زن	بزن
15	قدم زدن	مشی	زد	زن	بزن
16	کاز زدن	یقضم	زد	زن	بزن
17	کف زدن	تصفیق	زد	زن	بزن
18	گره زدن	یَعْقِد	زد	زن	بزن
19	گیره زدن	یَشْبِکْ	زد	زن	بزن
20	لبخند زدن	اِبْتَسَامَة	زد	زن	بزن
21	لیس زدن	لَحْس-لعق	زد	زن	بزن
22	مسواک زدن	فرشاه	زد	زن	بزن
23	مشت زدن	ملاکمه	زد	زن	بزن
24	نفس نفس زدن	یلهث	زد	زن	بزن
25	نیش زدن	یلسع	زد	زن	بزن
26	وصله زدن	ترقیع	زد	زن	بزن

1	گرفتن	مسک-قبض-اخذ	گرفت	گیر	بگیر
2	امتحان گرفتن	امتحان-اختبار	گرفت	گیر	بگیر
3	اندازه گرفتن	قیاس	گرفت	گیر	بگیر
4	آفتاب گرفتن	یتشمس	گرفت	گیر	بگیر
5	جشن گرفتن	احتفال	گرفت	گیر	بگیر
6	در آغوش گرفتن	يعانق-يضم	گرفت	گیر	بگیر
7	دوش گرفتن	حمام	گرفت	گیر	بگیر
8	روزه گرفتن	صوم	گرفت	گیر	بگیر
9	عکس گرفتن	يصور	گرفت	گیر	بگیر
10	قرض گرفتن	قرض-اعارة	گرفت	گیر	بگیر
11	کشتی گرفتن	يتصارع	گرفت	گیر	بگیر
12	نیشگون گرفتن	يقرص	گرفت	گیر	بگیر
13	وضو گرفتن	وضوء	گرفت	گیر	بگیر
14	یاد گرفتن	تعليم	گرفت	گیر	بگیر
15	یاد گرفتن	يتعلم	گرفت	گیر	بگیر
1	رفتن	ذهاب	رفت	رو	برو
2	راه رفتن	مشي-سير	رفت	رو	برو
3	سینه خیز رفتن	زحف-حبي	رفت	رو	برو
4	بالا رفتن	تصاعد-ارتفاع-تسلق	رفت	رو	برو
5	فرو رفتن	يغمس	رفت	رو	برو
6	به دنبال رفتن	يتبع	رفت	رو	برو
1	آوردن	جلب-حمل-احضار	آورد	آور	بیاور
2	در آوردن	يخلع-ينزع-يخرج	آورد	آور	بیاور
3	به یاد آوردن	تذكر	آورد	آور	بیاور
4	حج به جا آوردن	حج	آورد	آور	بیاور
1	خواندن	قراءة	خواند	خوان	بخوان
2	آواز خواندن	غناء-صياح	خواند	خوان	بخوان
3	درس خواندن	درس	خواند	خوان	بخوان
4	نماز خواندن	صلاة	خواند	خوان	بخوان
1	کشیدن	اختطاف-انتزاع-سحب	کشید	کش	بکش
2	خمیازه کشیدن	تثاؤب	کشید	کش	بکش
3	فریاد کشیدن	صراخ-صياح	کشید	کش	بکش
4	نقاشی کشیدن	رسم	کشید	کش	بکش
5	خط کشیدن	مسطره	کشید	کش	بکش

1	گفتن	قول-اخبار	گفت	گو	بگو
2	خوش آمد گفتن	ترحبیب	گفت	گو	بگو
3	آذان گفتن	آذان	گفت	گو	بگو
4	تبریک گفتن	یبارك	گفت	گو	بگو
1	آمدن	جاء	آمد	آی	بیا
2	فرود آمدن	یهبط-یحط	آمد	آی	بیا
3	خون آمدن	ینزف	آمد	آی	بیا
1	بستن	اغلاق-ربط	بست	بند	ببند
2	دکمه بستن	تیکیل الازرار	بست	بند	ببند
1	ماندن	بقاء-اقامة	ماند	مان	بمان
2	جا ماندن	یفوت	ماند	مان	بمان
1	پختن	طبخ-طهی	پخت	پز	بپز
2	کباب پختن	طبخ-طهی	پخت	پز	بپز
1	گذاشتن	اختراق-ربط-یضع	گذاشت	گذار	بگذار
2	تخم گذاشتن	تبیض	گذاشت	گذار	بگذار
3	احترام گذاشتن	احترام	گذاشت	گذار	بگذار
1	کندن	اختیار-حفر	کند	کن	بکن
2	پوست کندن	تقشیر	کند	کن	بکن
1	ریختن	سكب-صب	ریخت	ریز	بریز
2	اشک ریختن	بكاء-دموع	ریخت	ریز	بریز
1	بودن	كان-جد	بود	هست	باش
2	منتظر بودن	انتظار	بود	هست	باش
3	گرسنه بودن	جائع	بود	هست	باش
4	پشیمان بودن	ندم	بود	هست	باش
5	مغرور بودن	تکبر	بود	هست	باش
1	خوردن	تتاول	خورد	خور	بخور
2	تکان خوردن	رفرفة	خورد	خور	بخور
1	داشتن	امتلاك	داشت	دار	بدار
2	دوست داشتن	حب	داشت	دار	بدار
3	علاقه داشتن	علاقة	داشت	دار	بدار
4	قرار داشتن	بقاء	داشت	دار	بدار
5	وجود داشتن	کون-موجود	داشت	دار	بدار
1	دیدن	نظر	دید	بین	ببین
2	خواب دیدن	یحلم	دید	بین	ببین